

مطالعه تطبیقی زمان و مکان ارزیابی خسارت در مسئولیت خارج از قرارداد در حقوق ایران و مصر

فاطمه رجائی*

استادیار دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۶

دریافت: ۹۳/۱۲/۰۸

چکیده

گاهی تعیین میزان خسارت و زمان و مکان ارزیابی آن در مسئولیت‌های خارج از قرارداد بسیار دشوار است. ممکن است زیان‌دیده، به محض ورود ضرر، ادعای ضرر نکند یا قادر به ادعای ضرر نباشد و بنابراین از زمان ورود ضرر تا زمان تقدیم دادخواست و دریافت خسارت فاصله ایجاد شود. در این فاصله گاه ارزش پول و گاه هزینه جبران خسارت کم و زیاد می‌گردد. گاه نیز مکان ورود ضرر با مکان دادخواست و پرداخت متفاوت است یا مال جابه‌جا می‌شود و در مکان‌های مختلف قیمت‌های متفاوتی دارد. لذا تعیین ملاک زمان و مکان در ارزیابی خسارت ضروری است. شیوه تحقیق حاضر کتابخانه‌ای بوده، نوع آن توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. در این مقاله ابتدا به جبران خسارت و شیوه‌های آن اشاره شده، سپس با توجه به روش قضایی تعیین خسارت، زمان و مکان تخمین خسارت در ضمان قهری و مسئولیت خارج از قرارداد به طور تطبیقی در حقوق ایران و مصر مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نتیجه گرفته شده در قانون ایران بین اموال مثلی و قیمی تفاوت وجود دارد: زمان ارزیابی اموال مثلی در صورت تعدّر یا از دست دادن مالیت، قیمت روز اجرای حکم و حین‌الادا و آخرین قیمت است و در اموال قیمی روز اجرای حکم قطعی است. مکان تخمین نیز براساس ملاک زمان، مکان پرداخت و اجرای حکم تعیین می‌شود. حقوق مصر بین اموال مثلی و قیمی تفاوتی قائل نشده، ملاک زمان را روز

Email: f.rajaei@hsu.ac.ir

*نویسنده مسئول مقاله:

صدور حکم قرار داده است. درباره مکان نیز مطلبی به صراحت ذکر نکرده است. ملاک حقوق ایران به جهت این‌که هدف مسؤولیت مدنی را بهتر تأمین می‌کند مناسب‌تر است.

واژگان کلیدی: خسارت، ارزیابی خسارت، زمان، مکان، تلف، حقوق مصر

۱. مقدمه

امروزه روابط حقوقی بین مردم چنان گسترده و پیچیده شده است که گاهی تشخیص آن برای دادرس امری بس دشوار است. به‌عنوان مثال وقتی خسارتی وارد می‌آید و تعیین میزان آن ضرورت دارد و پرونده برای تعیین میزان خسارت به دادگاه می‌رود، در اغلب اوقات ممکن است تا زمان صدور حکم خسارت تغییر کند یا این‌که مال جابه‌جا شود و در مکان‌های مختلف قیمت‌های متفاوتی داشته باشد. در این موارد، دادگاه چه زمان و مکانی را برای تعیین خسارت مشخص کند؟

بدیهی است مقصود از زمان و مکان در ارزیابی خسارت معنای فلسفی آن نیست، بلکه زمان و مکان عرفی است که در نظر مردم زمان، همان وقت است که با واحد روز، ساعت و دقیقه اندازه‌گیری می‌شود و این همان مقدار حرکت زمین است که در هر کشور به نوعی خاص زمانبندی می‌شود و سال و ماه بخصوصی (شمسی، قمری، میلادی) دارند و مکان عبارت است از موقعیت قرار گرفتن هر چیز در روی زمین و لذا مکان شهرها و روستاها را براساس تقسیمات طبیعی جغرافیایی قاره‌ها و دریاها قرار می‌دهند و روی نقشه‌ها جایگاه آن‌ها را مشخص می‌کنند. بررسی زمان و مکان به این معنا در ارزیابی خسارت مؤثر است. وقتی شخص ملزم به پرداخت

۱. پیش‌تر فلاسفه زمان را امری واقعی می‌دانند که عبارت است از مقدار حرکت، ولی برخی از فلاسفه قدیم یونان حرکت را امری موهوم می‌دانستند، نزد فلاسفه مسلمان به‌ویژه متأخرین زمان امری حقیقی است و این معنا از زمان و مکان در مباحث فقهی و حقوقی کاربرد چندانی ندارد [۱، ج ۱، ص ۲۷۳].



خسارت مخصوصاً پول می‌شود، مشکلاتی در ارزیابی و تخمین آن وجود دارد، زیرا از سویی فاصله زمانی زیادی بین تحقق ضرر و صدور حکم وجود دارد و از سوی دیگر نوسان قیمت‌ها و تغییر ارزش پول دو مشکلی هستند که امروزه دامنگیر جوامعند. بنابراین، این مطلب دارای اهمیت زیادی است که کدام زمان و کدام مکان ملاک تخمین خسارت است؟ مسأله اصلی به این پرسش بر می‌گردد که زمان تحقق این رابطه دینی (جبران خسارت) بین متضرر و فاعل چه زمان و مکانی است؟ طبق یک نظر زمان تحقق تعهد به جبران ضرر تاریخ تحقق سبب است و حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد و طبق نظر دیگر، تاریخ حکم دادگاه زمان تحقق جبران خسارت است؛ چرا که حکم دادگاه جنبه تأسیسی دارد. به عبارت دیگر، حکم جبران خسارت موجد حق است یا اعلام‌کننده آن؟ از آنجا که مطالعه تطبیقی بین نظام‌های حقوقی موجب شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌شود و از سوی دیگر قانون مدنی مصر^۱ اولاً در سال ۱۹۴۹ براساس قوانین کشور فرانسه، سوئیس و آلمان و متأثر از رویه قضایی محاکم داخلی مصر و فرانسه، با تغییرات گسترده جایگزین قوانین قبلی شده و لذا روزآمدتر است، ثانیاً علاوه بر استفاده از نوآوری‌های حقوق غرب، با فقه اسلامی در آمیخته است و ثالثاً بسیاری از کشورهای عربی دیگر نیز از این قانون الگو گرفته‌اند، به تطبیق قوانین این کشور درباره زمان و مکان ارزیابی خسارت با قانون ایران می‌پردازیم. روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده، نوع آن توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. در این نوشتار ابتدا به جبران خسارت و شیوه‌های آن به طور مختصر اشاره شده، سپس با توجه به روش قضایی (عام) تعیین خسارت، زمان و مکان تخمین خسارت در ضمان قهری و مسئولیت خارج از قرارداد مورد بررسی قرار گرفته است و هرچند می‌توان قلمرو آن را به خسارت ناشی از مسئولیت‌های قراردادی نیز سرایت داد، ولی بحث از آن را به علت طولانی شدن به مقاله دیگری موکول می‌کنیم.

۱. در ق.م. مصر مواد مسئولیت در چهار قسم بیان شده است. ۱)المسئولیه عن الاعمال الشخصیه، ۲) المسئولیه عن عمل الغير، ۳) المسئولیه الناشئه عن الأشياء، ۴) المسئولیه العقدیه که برگشت آن به مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد است.

۲. جبران خسارت^۱

خسارت در لغت به معنای زیان، غرامت و ضرر است [۲، ج ۴، ص ۱۲۳] و در اصطلاح حقوقی هر نوع ضرر و زیانی است که موجب از بین رفتن حق فردی اعم از مادی یا معنوی باشد [۳، ص ۳۰۱]. حقوقدانان مصری نیز تعاریف متعدد مشابه با این تعریف بیان کرده‌اند [۴، ص ۲۹۷؛ ۵، ص ۲۴؛ ۶، ص ۳۵].

خسارت دو نوع دارد: (۱) خسارت مادی^۲ که عبارت است از ضرر مادی یا مالی که بر اثر تلف مالی اعم از عین یا منفعت یا کاهش ارزش و قیمت آن مال به شخص وارد می‌شود. درمورد از دست دادن منفعت بین فقها و حقوقدانان اختلاف است؛ ولی امروزه در متون گوناگون «عدم‌المنفع» را نیز در شمار خسارات آورده‌اند. همچنین صدمه‌هایی که به سلامت و حیات شخصی وارد می‌شود و زیان‌هایی مالی نیز برای او به بار می‌آورد، مانند هزینه درمان و کفن و دفن شامل خسارت مادی است. می‌توان گفت کاستن از دارایی‌های شخص و پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به او است [۷، ص ۹۲؛ ۸، ص ۲۷]. در حقوق مصر علاوه بر این موارد «تفویت‌الفرصه» نیز در شمار ضرر مادی شمرده شده است [۴، ص ۸۶]؛ (۲) خسارت معنوی^۳ که تعاریف گوناگونی برای آن ذکر شده است. در یک تعریف آمده است: «جریحه دار کردن و لطمه زدن به بعضی ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند». در تعریف دیگر آمده است: «صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی» [۳، ص ۱۴۵]. اما در یک مفهوم کلی می‌توان گفت خسارت معنوی، خسارات غیر مالی است.

۱. التعویض

۲. الضرر: «الاخلال بمصلحه ماليه للمضرور او ضرر الادبی بمعنا کل ما یوذی الانسان فی شرفه و اعتباره او یصیب عاطفته و احساسه و مشاعره و کرامته».

۳. الضرر المادی

۴. الضرر الادبی



در حقوق مصر نیز ضرر به دو قسم مادی و معنوی تقسیم شده است. در ماده ۱۷۰ قانونی مدنی مصر از خسارت معنوی به «ضرر ادبی» تعبیر شده است^۱ و تعریفی مشابه با حقوق ایران دارد [۹، ج ۱، ص ۴۲۱]. در حقوق مصر [۱۰، ص ۲۴] و ایران خسارت از جهت دیگر نیز به مادی و بدنی تقسیم می‌شود. برای جبران خسارت بدنی چه به صورت عمد یا خطا و چه به نفس یا اعضا، دیه یا قصاص در نظر گرفته شده است که بحث از آن از حوصله این نوشتار خارج است. رأی شماره ۲۰۶۸ مورخ ۲۱-۳-۱۹۸۵ دادگاه تجدیدنظر دادگاه حقوقی مصر مقرر کرده است خسارت مادی و معنوی توسط قاضی سنجیده می‌شود و براساس زمان صدور حکم پرداخت می‌شود [۴، ص ۴۷]. در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسؤلیت جمع باشد، اثر مهم و اصلی آن، حق جبران خسارت است که به استناد این حق، زیان‌دیده می‌تواند با رجوع به انجام‌دهنده فعل زیانبار خواهان جبران خسارت وارد بر خویش شود. بدین ترتیب، رابطه دینی (تعهد) بین زیان‌دیده و عامل ورود آن به وجود می‌آید [۱۱، ص ۲۰۸؛ ۷، ص ۱۲۹]. در دادنامه شماره ۷۲۴ با کلاسه پرونده ۶۰۹/۴/۸۲ مورخ ۸۲/۵/۲۲ شعبه ۴ دادگاه عمومی شهر ری، به جبران خسارت پس از احراز ارکان مسؤلیت مدنی و رابطه سببیت به پرداخت قیمت یوم‌الادا حکم شده است [۱۲، ص ۵۶-۵۷].

از آن‌جا که قوانین حقوق مصر برگرفته از حقوق فرانسه و فقه اسلامی (اهل سنت) است شرایط و ارکان مسؤلیت مدنی آن شباهت بسیاری با حقوق ایران دارد. در ماده ۱۶۳ ق.م. مصر به جبران خسارت و ارکان آن از جمله خطا و غیرقانونی بودن ضرر تصریح شده است [۱۳، ص ۴۵-۵۵؛ ۱۴، ص ۲۶]. در صورتی که ارکان مسؤلیت مدنی و شرایطش کامل باشد حکم به جبران خسارت می‌شود. در رأی شماره ۳۶/۲۴۰ مورخ ۱۹۷۱/۴/۸ و شماره ۳۴/۲۹ مورخ ۱۹۶۷/۶/۲۷ دادگاه تجدیدنظر مصر به علت این‌که ارکان مسؤلیت ثابت نشده، حکم به جبران خسارت داده نشده است [۴، ص ۲۶].

برای جبران خسارت به این نکات توجه می‌شود:

۱. جبران کامل ضرر؛ به این معنا که خسارتی مورد حکم قرار گیرد که با پرداخت آن به زیان‌دیده، گویی فعل زیانبار واقع نشده است. به عبارت دیگر، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت مشابه و مانند

۱. «... يشمل التعويض الضرر الادبي ايضا...»

وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار. قاضی باید با توجه به نوع ضرر وارد، طوری حکم به جبران ضرر کند که زیان‌دیده تا حد امکان در وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار قرار گیرد یا حداقل اگر جبران به عین ممکن نیست، در وضعیت نزدیک به وضع سابق قرار گیرد [۱۱، ص ۲۱۰]. ماده ۱۷۱ ق.م. مصر به لزوم جبران کامل ضرر تصریح دارد.^۱

۲. تناسب روش جبران خسارت با ضرر. بین روش جبران و ضرر وارد باید سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه، روش جبران هر خسارتی، با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود. به همین جهت در ماده ۲ ق.م.م. مقرر شده است: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود». ماده ۱۷۱ ق.م. مصر نیز درباره تناسب شیوه جبران خسارت با ضرر صراحت دارد.

۳. قلمرو زمان و مکان در ارزیابی خسارت

میزان خسارت ممکن است تا روز صدور حکم و اجرای آن تغییر کند. این تغییر گاهی به علت تغییر و تحولات عوامل ایجادکننده خسارت است و گاهی به دلیل تغییر ارزش پول؛ چنان‌که قدرت خرید پول کم می‌شود یا به دلایل دیگر قیمت مالی که تلف شده بالا می‌رود. به نظر می‌رسد دادگاه باید تغییرات بعد از وقوع حادثه را در نظر آورد و در زمان صدور حکم، خسارت را چنان‌که بایسته است جبران کند. اما این بحث وجود دارد که قیمت چه زمانی را در نظر بگیرد: تلف را یا

۱. ماده ۱۷۱ ق.م. جدید مصر: «(۱) یعین القاضی طریقہ التعویض تبعاً للظروف و یصح أن یكون التعویض مطلقاً كما یصح أن یكون ایراداً مرتباً و یجوز فی هاتین الحالتین الزام المدین بأن یقدم تأمیناً. (۲) و یقدر التعویض بالنقد علی أنه یجوز للقاضی تبعاً للظروف و بناء علی طلب الفرور أن یأمر بإعادة الحاله الی ما كانت علیہو أن یحکم بإداء امر معین متصل بالعمل غیرالمشروع و ذالك علی سبیل التعویض».



صدور حکم را یا اجرای آن را؟ [۳، ص ۳۷۷] در حقوق مصر نیز به این مسأله تأکید شده؛ چنان‌که سنهوری می‌نویسد: «موردی را فرض کنید که ضرر از زمان وقوع تا صدور حکم متغیر است. مثلاً شخصی به علت تقصیر راننده با اتومبیلی برخورد می‌کند و دستش می‌شکند و به هنگام مطالبه خسارت، شکستگی مزبور پیشرفت کرده است و وضع آن نسبت به گذشته بسیار بدتر می‌شود و همین روند ادامه می‌یابد، به طوری که به هنگام صدور حکم، به طور دائم از کار می‌افتد. در این موارد دادگاه باید چه کند؟ بدون تردید قاضی باید این سیر را در مقام صدور حکم مورد توجه قرار دهد و ضرر را به‌عنوان شکستگی که به ازکارافتادگی دائم تبدیل شده است برآورد کند. همچنین است اگر ضرر نسبت به روز اول کم‌تر شده باشد» [۹، ج ۱، ص ۴۳۸].

گاهی زیان‌هایی که به بار می‌آید در آینده نیز اثر دارد. این مسائل بیش‌تر در مواردی پیش می‌آید که دادگاه جبران خسارت را به صورت مستمری طولانی معین می‌کند و پس از چندی احساس می‌شود که مبلغ آن برای رسیدن به هدفی که دادگاه داشته ناچیز است. بی‌شک قاضی نمی‌تواند به چگونگی جبران خسارت و تغییر آن بعد از صدور حکم بی‌اعتنا بماند و این تغییرات را باید هنگام صدور حکم در نظر آورد [۹، ج ۱، ص ۴۳۸].

در قانون ایران قاضی می‌تواند تغییراتی را که پس از صدور حکم در خسارت به وجود می‌آید مد نظر قرار دهد؛ زیرا زیان آینده نیز قابل جبران است. او می‌تواند همه تحولات را چه مربوط به بالا رفتن و چه پایین آمدن میزان خسارت باشد، مورد توجه قرار دهد؛ به شرطی که این تحولات قابل پیش‌بینی و حتمی باشند. همچنین می‌تواند در حکم صراحتاً امکان تجدیدنظر را ذکر کند (ماده ۵ قانون مسؤولیت مدنی). در این زمینه نیز می‌توان به دو نمونه در قانون مجازات اسلامی اشاره کرد (ماده ۴۰۲ و ۴۶۸). در حقوق مصر نیز به تغییرات خسارت پس از صدور حکم توجه شده است و قاضی می‌تواند به آن حکم کند [۱۵، ج ۱، ص ۲۳۸]؛ چنان‌که ماده ۱۷۰ ق.م. جدید مقرر می‌دارد: «قاضی براساس مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ و با ملاحظه اوضاع و احوال قضیه، مقدار خسارت را تعیین کند. چنانچه قاضی نتواند در زمان صدور حکم، به صورت قطعی مقدار خسارت

را تعیین کند می‌تواند این حق را برای زیان‌دیده محفوظ بدارد که طی مدت معینی، بازنگری در مقدار خسارت را از دادگاه بخواهد.^۱

همان‌طور که زمان تأثیر بسیاری در ارزیابی خسارت دارد، مکان نیز مؤثر است؛ زیرا گاه مکان‌های مختلف، ظرف قیمت‌های متفاوت است. به‌عنوان مثال خسارت در محلی به مال فردی وارد شده است و زیان‌زننده مال را به محل دیگر برده و تلف می‌کند یا مکان درخواست مالک از مسئول، مکانی غیر از مکان غصب و تلف است یا مال فقط در مکان‌های خاصی پیدا می‌شود و قیمت آن در این مکان‌ها متفاوت است. لذا نیاز به بررسی دارد تا مشخص شود قیمت کدام مکان بر عهده مسئول است: مکان غصب، تلف، دفع، مطالبه، دادگاه صالح، یا هر مکانی که مالک اراده کند؟

۳-۱. قلمرو زمان و مکان در شیوه‌های جبران خسارت

در نظام حقوقی غالب کشورها دو شیوه مهم و متعارف برای جبران خسارت پذیرفته شده است: ۱. جبران عینی^۲ خسارت که بهترین روش جبران خسارت است و حسب آن، وضعیت زیان‌دیده که در اثر ارتکاب فعل زیانبار دچار اختلال گردیده، به حالت اول برگردد. این شیوه بر سایر شیوه‌های دیگر مقدم است و ماده ۳۱۱ ق.م. به آن تصریح می‌کند. در صورت امکان رد عین، وفا به بدل جایز نیست، مگر هنگامی که رد اصل غیر ممکن یا معذتر باشد [۱۶، ص ۱۰۴]. رأی شماره ۱۰۱۴ مورخ ۱۳۱۷/۴/۲۳ شعبه ۴ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «به موجب ماده ۳۱۱ ق.م. غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد کند، مگر آن‌که تلف شده باشد و استتکاف غاصب برای تسلیم، کافی برای صدور حکم به تأدیه قیمت نبوده و موجب نقض رأی دادگاه است»

۱. ق.م. جدید مصر: «يقدر القاضى مدى التعويض عن الضرر الذى لحق المضرور طبقاً لاحكام المادتين ۲۲۱ و ۲۲۲، مراعيًا فى ذلك الظروف الملايهه فإن لم يتيسر له وقت الحكم أن يعين مدى التعويض تعييناً نهائياً فله أن يحتفظ للمضرور بالحق فى أن يطالب خلال مده معينه باعاده النظر فى التقدير».

۲. التعويض العينياعاده الحاله الى السابق



[۱۷، ص ۱۲۶]. در حقوق مصر جبران خسارت به صورت عینی پذیرفته شده است [۱۸، ص ۲۴۵]. سنهوری می‌نویسد: «جبران عینی غالباً در مسئولیت قراردادی صورت می‌پذیرد؛ اما می‌توان فروضی از آن را برای مسئولیت قهری نیز تصور کرد؛ مثل این‌که شخصی برای اضرار به همسایه و جلوگیری از رسیدن نور و هوا به ملک او، دیواری را در زمین خود بنا کند. در این مورد، احداث‌کننده دیوار در برابر همسایه از مسئولیت قهری برخوردار است و باید ضرر وارده را جبران کند. در اینجا جبران خسارت به صورت عینی و با تخریب دیوار است» [۱۹، ج ۲، ص ۸۲۴] بند دوم از ماده ۱۷۱ ق.م. جدید مقرر می‌دارد: «قاضی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال و به درخواست زیان‌دیده، خواستار اعاده وضعیت به حالت سابق گردد». اگر جبران خسارت مطابق این شیوه صورت پذیرد زمان و مکان تخمین خسارت در آن جایگاهی ندارد.

۲. شیوه دوم دادن معادل^۱ است. اگر جبران خسارت به صورت عینی متعذر باشد جبران خسارت به صورت دادن معادل صورت می‌پذیرد. در این روش غالباً نمی‌توان زیان‌دیده را در عین وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار قرار داد و ناچار او را در مثل و مانند وضعیت قبل از انجام فعل زیانبار قرار می‌دهند [۲۰، ص ۱۲۵]. در حقوق ایران این روش براساس مال متعلق ضرر یا مشکلات اجرایی جبران، به دو روش دادن مثل یا قیمت تقسیم می‌شود. در دادنامه شماره ۱۶۱۵/۱/۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۱/۱۴ شعبه دهم دادگاه عمومی شهر ری که در شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است مقرر گردیده: «اصل اموال مسترد گردیده و در صورت تلف به قیمت یوم‌الادا یا مثل آن ... محکوم می‌شود» [۲۱، ص ۱۰۱]. در بند دوم ماده ۱۷۱ ق.م. جدید مصر مقرر شده است: «خسارت به صورت نقدی تعیین می‌شود». در این کشور غالباً در دعاوی مسئولیت قهری حکم به جبران خسارت نقدی می‌شود [۲۲، ص ۳۴۵]. سنهوری می‌نویسد: «هر ضرری حتی از نوع معنوی آن قابل تقویم به پول است و قاضی به خسارت نقدی حکم می‌کند» [۱۹، ج ۲، ص ۸۲۵]. چنان‌که ملاحظه گردید در قانون مصر هر دو شیوه خسارت پذیرفته شده، اما نکته قابل توجه این است که در قانون ایران و فقه شیعه و عامه اصل اولی در جبران خسارت، جبران عینی و اعاده وضع به سابق است و پرداخت معادل جنبه استثنایی و درجه دوم دارد، در حالی که با دقت در تبصره ۲ ماده ۱۷۱ ق.م. مصر می‌توان دریافت این کشور اصل اولی در جبران

۱. التعویض بالنقد

خسارت را پرداخت نقدی قرار داده و در صورت درخواست زیان‌دیده، به جبران عینی حکم داده می‌شود. در رأی شماره ۲۳۴۵ مورخ ۱۶/۱۲/۱۹۵۸ دادگاه تجدیدنظر مصر تصریح شده است که جبران خسارت به صورت نقدی است، مگر این‌که زیان‌دیده درخواست جبران عینی کند [۴، ص ۳۴]. زمان و مکان تخمین خسارت در شیوه پرداخت نقدی بسیار تأثیر دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳. قلمرو زمان و مکان در روش‌های تقویم خسارت

در غالب نظام‌های حقوقی دو روش عام و خاص برای تقویم خسارت وجود دارد. الف) روش عام که به تعبیر دیگر روش قضایی است. در این روش تعیین خسارت به قاضی سپرده می‌شود و بدیهی است قاضی با توجه به ادله اثبات دعوا و با استعانت از خبرگان و کارشناسان مقدار خسارت را تعیین می‌کند [۲۳، ص ۲۴۰]. در حقوق ایران طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. چنانچه در عقد یا قانون مبلغ خسارت تعیین نشده باشد (ماده ۵۱۸ ق.آ.د.م) یا بین طرفین قراردادی وجود نداشته (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م) یا دعوا با صلح خاتمه نیافته باشد (۵۱۷ ق.آ.د.م)، قاضی با صدور قرار ارجاع به کارشناسان رسمی دادگستری و سپردن ارزیابی به خبره، میزان خسارت را مشخص می‌کند (۲۷۵ ق.آ.د.م). در حقوق مصر اختیار قاضی در تعیین میزان خسارت به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده؛ البته به شرط رعایت شرایط استحقاقی که در قانون ذکر شده است [۲۴، ج ۱، ص ۶۱]. ماده ۱۷۰ ق.م. جدید مقرر می‌دارد: «قاضی براساس مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ و با ملاحظه اوضاع و احوال قضیه، مقدار خسارت



را تعیین کند.^۱ عنصر مکان و زمان برای تخمین خسارت توسط کارشناسان در روش عام دارای اهمیت ویژه است.

ب) روش خاص. علمای حقوق موارد متعددی را جزء روش‌های خاص تقویم خسارت ذکر کردند: ۱. روش قراردادی (شروط جزایی). طبق ماده ۲۳۰ ق.م. و ۵۱۵ ق.آ.د.م. ایران غالباً این روش در هنگام انعقاد عقد پیش از ورود خسارت است و پرداخت این خسارت یا به وسیله ضررزننده است که از آن به شرط وجه التزام یاد می‌شود یا به وسیله شخص ثالث که از آن به بیمه یاد می‌گردد [۲، ص ۲۵]. از این روش در مواد ۲۲۰، ۲۱۵ و ۲۳۳ ق.م. مصر با عنوان «التعویض الاتفاقی او شرط الجزائی» یاد می‌شود.

۲. روش قانونی که در آن، قانونگذار مبلغ خسارت را در قانون بیان می‌دارد و قاضی حق ندارد مبلغ مقطوع را تغییر دهد [۲۴، ص ۳۹۵]. بدیهی است به مجرد مطالبه مدعی خصوصی در صورت احراز تحقق زیان، قاضی باید به نفع او حکم دهد. در صورتی که ماهیت حقوقی دیه را خسارت بدانیم،^۲ دیه خسارتی است که قانونگذار مبلغ مقطوع آن را در قانون مجازات مشخص کرده است. مواد ۲۲۶ تا ۲۲۸ ق.م. مصر نیز با عنوان «التعویض القانونی» این روش را بیان کرده‌اند. از آنجا که این نوشتار درصدد بررسی زمان و مکان ارزیابی خسارت در مسؤولیت‌های خارج از قرارداد است و غالب این خسارت‌ها به صورت عام (قضایی) ارزیابی می‌شوند اثر زمان و مکان فقط در این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. قلمرو زمان و مکان در ارزیابی خسارت بر اموال مثلی و قیمی

جبران خسارت براساس این‌که مال مثلی یا قیمی باشد متفاوت است و لذا تأثیر زمان و مکان در ارزیابی خسارت را به تفکیک اموال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. بند اول ماده ۲۲۱: «إذا لم یکن التعویض مقدراً فی العقد أو بنص فی القانون فالقاضی هو الذی یقدره» و ماده ۱۷۱: «یقدر القاضی مدی التعویض عن الضرر الذی لحق المضرور طبقاً لاحکام المادتین ۲۲۱ و ۲۲۲، مراعیاً فی ذالک الظروف الملاسه».

۲. در بین دانشمندان حقوق اسلامی درباره ماهیت حقوقی دیه اختلاف است. بعضی آن را مجازات تلقی کرده و بعضی آن را مجازات صدمه‌زننده همراه با خسارت مصدوم تلقی و برخی دیگر آن را خسارت محسوب کرده‌اند [ر.ک. ۱۱، ص ۲۲۵ به بعد].

۴-۱. قلمرو زمان و مکان در ارزیابی خسارت بر اموال مثلی

در تعریف مال مثلی بین فقهای امامیه اختلاف است. برخی مثلی را چنین تعریف کرده اند: «مثلی آن است که اجزایش از حیث قیمت به نسبت متساوی باشد، مانند گندم که اگر صد کیلوی آن هزار تومان باشد، پنجاه کیلوی آن پانصد تومان است» [۲۶، ج ۳۷، ص ۹۳]. برخی دیگر گفته‌اند: «مثلی آن است که افرادش از جهت صفات و آثار و قیمت متساوی باشند، به طوری که اگر دو فرد یا بیش‌تر از آن با یکدیگر مخلوط شوند، به علت همسانی و فرط شباهت قابل تمیز نباشند، مانند حبوبات، طلا و نقره، نسخ کتاب از یک چاپ و قواره‌های پارچه بافت یک کارخانه؛ در حالی که قیمی این چنین نیست، زیرا اگر چند گوسفند و یا چند فرش دستبافت با یکدیگر مخلوط شوند کاملاً قابل جدایی است؛ چون افرادش از حیث آثار و صفات و قیمت با یکدیگر مساوی نیستند» [۲۷، ص ۲۰]. برخی از فقها، مثل صاحب جواهر [۲۶، ج ۳۷، ص ۹۳] و سید محمد کاظم یزدی در حاشیه بر مکاسب شیخ [۲۸، ج ۱، ص ۹۳] و آخوند خراسانی در حاشیه بر مکاسب [۲۷، ص ۲۰] و امام خمینی در *تحریر الوسيله* [۲۹، ص ۱۹۳] معنای مثلی و قیمی را منوط به عرف کرده اند. قانون مدنی ایران از نظریه سوم تبعیت کرده، اما خود هم تعریفی از مثلی و قیمی ارائه داده است [۳۰، ج ۱، ص ۳۹۳]؛ چنان‌که در ماده ۹۵۰ می‌گوید: «مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد، مانند حبوبات و نحو آنو قیمتی مقابل آن است. معذک تشخیص این معنا با عرف می‌باشد» [۳۱، ص ۲۹۳]. کلمه مثلی و قیمی از یک حقیقت شرعیه برخوردار نیستند و در آیه یا روایتی به معنای آن‌ها اشاره نشده است. لذا باید حکم، به عرف موکول شود [۳۲، ج ۲، ص ۳۰۵]. اگر مال تلف شده، از اموال مثلی باشد، مسؤول باید مثل مال تلف شده را به زیان‌دیده جهت جبران خسارت تسلیم کند و زیان‌دیده نیز حق دارد از او خواهان مثل شود [۳۳، ص ۱۰۵]. بنابراین، اگر فعل زیانبار مثلاً اتلاف سه تن عدس باشد، مسؤول موظف است سه تن عدس از آن نوع را برای جبران خسارت خسارت به زیان‌دیده تسلیم کند. به همین



جهت در ماده ۳۲۸ ق.م. مقرر شده است: «... هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد...». بنابراین، در صورتی که مال تلف شده مثلی باشد، مسؤول باید مثل آن را به زیان‌دیده تسلیم کند؛ مگر این‌که مثل از مالیت افتاده یا در بازار نایاب شده باشد که در این موارد، باید قیمت پرداخت شود [۳۴، ص ۱۵۱]. در حقوق مصر، اموال به مثلی، قیمی و غیرمنقول تقسیم می‌شود. در ماده ۸۵ ق.م. مصر اموال مثلی چنین تعریف شده است: «اشیای مثلی اموالی است که برخی از آن را می‌توان به جای برخی دیگر در مقام وفا پرداخت و همچنین در عرف مردم به صورت معدود و موزون و مکمل سنجیده می‌شود»^۱.

۴-۱-۱. زمان ارزیابی خسارت در پرداخت مثل

عنصر زمان در پرداخت مثل دخالتی ندارد و تعیین آن توسط دادگاه ضروری نیست، مگر این‌که تحویل مثل ناممکن و متعذر شود یا این‌که در حکم متعذر شود یا مثل مالیت خود را از دست داده باشد. در این موارد ضامن مسؤول پرداخت قیمت کالای مثلی می‌شود. لذا در ادامه به بررسی این صور می‌پردازیم که در ماده ۳۱۲ ق.م. ایران به آن اشاره شده است.

۴-۱-۱-۴. تعذر تحویل مال مثلی

قبل از این‌که درباره زمان قیمت مثلی که متعذر شده سخنی بگوییم به ملاک صدق تعذر مال مثلی اشاره‌ای می‌کنیم. علامه حلی ملاک اعواز و تعذر را عدم دسترسی در محل تلف و اطراف آن دانسته است [۳۵، ج ۲، ص ۳۸۳]. شهید ثانی ملاک آن را دست نیافتن در مکانی که به طور عادی قابل نقل و انتقال است می‌داند [۳۶، ج ۲، ص ۲۰۸]. محقق ثانی معیار را تشخیص عرف می‌داند [۳۷، ج ۶، ص ۲۴۵]. بدیهی است انتخاب هر کدام از این اقوال در تخمین قیمت مثل متعذر تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد تشخیص عرف در متعذر شدن مثل، ملاک و معیار مناسبی باشد. زمان ارزیابی قیمت مثل متعذر تا ده فرض هم دارد. برخی ملاک را زمان دفع، زمان تعذر، روز ضامن

۱. «الأشیاء المثلّیه هی التي یقوم بعضها مقام بعض عند الوفاء والتي تقدّر عادة فی التعامل بین الناس بالعدد أو المقاس أو الکیل أو الوزن».

یا زمان تلف یا روز درخواست یا روز رد یا بیش‌ترین قیمت میان این زمان‌ها دانسته‌اند. از آن‌جا که بررسی تمام فرض‌های متصور، از حوصله این نوشته خارج است به بررسی مهم‌ترین نظرها با ارائه میانی آن می‌پردازیم.

الف) قیمت روز تعذر: برخی بر میانی این‌که تا وقتی مال وجود دارد، وظیفه ضامن وجوب رد آن است و در روز تعذر پرداخت مثل، تبدیل به قیمت می‌شود معتقدند باید قیمت روز تعذر پرداخت شود [۳۷، ج ۶، ص ۲۵۲]. شیخ انصاری در نقد این نظریه می‌فرماید: «اشتغال ذمه به مثل، مشروط به امکان دستیابی به مثل نیست تا با تعذر منتفی شود» [۳۳، ص ۳۳۴].

ب) روز مطالبه: پس از تلف شدن عین مال، مثل آن بر ذمه می‌آید و تا هنگامی که مالک مطالبه مثل نکرده، مثل بر ذمه است و با درخواست وی، تبدیل به قیمت می‌شود [۳۸، ص ۱۱۳].

ج) بالاترین قیمت: بر این اساس که آنچه بر ذمه ضامن است، جامع میان مثل و عین است [۳۸، ص ۱۱۷].

د) قیمت روز ادا: مشهور فقها [۳۵، ص ۴۵۳؛ ۳۷، ج ۶، ص ۲۳۴؛ ۳۹، ج ۲، ص ۱۷۵] از سویی با توجه به این‌که با تعذر مثل در روز ادا، مثل در آن روز تبدیل به قیمت شده و ضامن در آن روز قصد از عهده برآمدن ذمه‌اش را دارد و از سوی دیگر با جریان استصحاب عدم تبدیل، با این بیان که هنگام تلف عین، مثل آن بر ذمه آمده و شک می‌کنیم با تعذر تبدیل به قیمت شده است یا نه؟ اصل عدم تبدیل را جاری کرده، معتقدند باید قیمت روز ادا پرداخته شود. به عبارت دیگر، تبدیل مثل به قیمت، پیش از روز ادا نیازمند دلیل است. اگر دلیل بر این مطلب آیه اعتدا باشد، دلالت آن بر استمرار مثل در ذمه تا هنگام ادا، قوی‌تر است [۳۵، ص ۴۵۳؛ ۳۷، ج ۶، ص ۲۳۴؛ ۳۹، ج ۲، ص ۱۷۵]. غالب فقها طبق این کبرای کلی که ضامن در کالای مثلی، متعهد به تحویل مثل است و آن جنس بر ذمه مدیون باقی است تا روزی که بخواهد آن را ادا کند، گفته‌اند در صورت ناممکن گشتن تحویل مثل نیز تعهد شخص ضامن در قبال آن تا زمان پرداخت (یوم‌الدفع) باقی است؛ یعنی تعهد و ضمانت شخص تا زمان پرداخت همچنان در برابر مثل است، نه قیمت. سیره عقلا



نیز مؤید این نظر است [۳۳، ص ۲۴۵]. به نظر می‌رسد از میان مبانی و اقوال گوناگون، نظر مشهور فقها [۳۵، ص ۴۵۳؛ ۳۷، ج ۶، ص ۲۳۴؛ ۳۹، ج ۲، ص ۱۷۵] (تعیین روز ادا و اجرای حکم قطعی) به واقع نزدیک‌تر باشد. همچنان‌که در ماده ۳۱۲ ق.م. قیمت حین‌الادا مشخص شده و در ماده ۶۴۸ ق.م. چنین راه‌حلی برای قرض پیش‌بینی شده است.^۱

۴-۱-۱-۲. از مالیت افتادن مال مثلی

در برخی موارد به دلیل اختلاف زمان انجام فعل زیانبار با زمان جبران خسارت، مثل از مالیت می‌افتد؛ مانند تلف آب کشاورزی زارع در تابستان و جبران آن به مثل در فصل زمستان. چون مثل مال در زمستان مالیت ندارد، با دادن مثل از زیان‌دیده جبران خسارت نمی‌شود و این امر با مفهوم جبران خسارت تنافی دارد و باید حکم به جبران خسارت از طریق دادن قیمت شود [۳، ص ۳۲۹؛ ۱۶، ص ۱۰۵] به همین جهت در ماده ۳۱۲ ق.م. مقرر شده است: «... و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد، باید آخرین قیمت آن را بدهد»؛ یعنی قبل از زوال مالیت، آخرین قیمتی که مثل داشته ارزیابی می‌شود و ضامن مکلف به ادای آن است. علت این حکم نیز این است که ذمه ضامن مشغول به مثل بوده و تا لحظه‌ای که مال ارزش داشته همچنان ادای مثل بر عهده وی بوده، اما از لحظه‌ای که مثل مالیت خود را از دست داده، در حکم تالف است و ضامن مثل به قیمت تبدیل می‌گردد و این قیمت همان ارزش مالی مثل در آخرین زمان وجود مالیت است [۲۹، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ۴۰، ص ۷۱].

۴-۱-۱-۳. نایاب شدن مال مثلی

قبل از این‌که وارد بحث زمان ارزیابی قیمت مثلی که نایاب شده شویم ابتدا ملاک نایاب شدن را بررسی می‌کنیم. به عبارت دیگر قیمت مالی که عین و مثل آن نایاب یا کمیاب است، چگونه معلوم می‌شود؟ ملاک و معیار در قیمتگذاری اجناس نایاب یا کمیاب چیست؟ قیمت بعضی از اجناس در مراحل مختلف فرق می‌کند. به عنوان مثال قیمت میوه در آغاز فصل با قیمت آن در وسط یا پایان فصل تفاوت می‌کند. شیخ انصاری می‌نویسد: «ظاهراً معیار قیمتگذاری همان نایابی مثل است، به

۱. قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آنرا از حیث مقدار و جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد.

شرطی که صاحب مال رغبت و آمادگی خرید و فروش داشته باشد؛ اما اگر دارنده جنس حاضر به فروش نباشد، مگر به قیمت‌های غیرمتعارف؛ چنین قیمتی ملاک و مورد ضمان نیست» [۳۳، ص ۲۳۷]. آرایه‌ای که برای تعیین قیمت درباره تعذر تحویل مثل ذکر شد در این‌جا نیز مطرح می‌گردد. بنابراین ملاک قیمت‌گذاری را روز ادا، روز تعذر، روز مطالبه و روز ادا دانسته‌اند. به نظر می‌رسد با استناد به اصل لزوم رعایت استطاعت و توانایی مسئول، باید او را محکوم به دادن قیمت بازاری کرد؛ زیرا الزام مسئول به تهیه مالی که در بازار نایاب است معقول نیست، ولی الزام او به دادن قیمت آن، امری معقول و شایسته است. به این جهت در ماده ۳۱۲ ق.م. مقرر شده است: «هرگاه مال مغضوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین‌الادا را بدهد...». نظریه مشورتی شماره ۳۴۰/۷ مورخ ۱۳۶۱/۱/۲۱ اداره حقوقی به شرح آتی نیز مؤید همین نظر است. پرسش: هرگاه شخص محکوم به عین معین باشد، ولی در موقع اجرای حکم وصول آن متعذر شود، آیا قیمت روز اجرای حکم از محکوم‌علیه دریافت می‌گردد یا قیمت روز صدور حکم یا قیمت روز تقدیم دادخواست؟ پاسخ: «برابر مقررات اجرای احکام مدنی در صورتی که در مقام اجرای حکم وصول عین معین از محکوم‌علیه ممکن نباشد محکوم‌به باید به قیمت روز اجرای حکم تقویم و برابر آن از محکوم‌علیه دریافت و به محکوم‌له پرداخت شود» [۴۱، ص ۲۲۷].

حقوق مصر براساس فقه اهل سنت نوشته شده و در فقه اموال به مثلی و قیمی تقسیم شده و زمان و مکان در ارزیابی و پرداخت آن‌ها مؤثر است؛ اما هرچند ق.م. این کشور تقسیم اموال به مثلی و قیمی را پذیرفته، ولی این تقسیم در پرداخت خسارت تأثیری ندارد و پرداخت خسارت فقط به صورت اجرای عینی و دادن پول نقد پذیرفته شده است [۶، ص ۳۵]. طبق بند ۲ ماده ۱۷۱ ق.م. مصر با پرداخت پول خسارت جبران می‌شود و پرداخت مثل یا قیمت لازم نیست، مگر این‌که رد مثل را اجرای عینی خسارت بدانیم که در این صورت ابتدا باید مثل داده شود و اگر رد عین



یا مثل غیرممکن یا معتذر باشد پول پرداخت می‌شود^۱ [۱۹، ج ۲، ص ۸۲۴]. زمان تقویم خسارت نیز بدون این‌که مثلی یا قیمی بودن مال در آن اهمیتی داشته باشد و اعم از آن‌که ضرر، تشدید یافته یا کاهش پیدا کرده باشد یا ارزش پول در اثر نوسانات بازار تغییر پیدا کرده باشد، زمان صدور حکم دانسته شده است. همچنین اگر مسؤول در مقام پرداخت خسارت با زیان‌دیده مصالحه کند، ملاک ارزش مال مورد صلح در همان زمان است و نوسان ارزش پول در روز صدور حکم تأثیری بر آن ندارد [۱۸، ص ۴۳۵].

۴-۱-۲. مکان ارزیابی خسارت در پرداخت مثل

هر گاه پرداخت مثل بر عهده زیان‌زننده باشد و مالک در هر شرایطی از نظر تغییر بهای کالا ضامن را ملاقات کند، حق مطالبه مثل را دارد. بنابراین عنصر مکان وقتی برای ارزیابی مال مثلی اهمیت پیدا می‌کند که پرداخت مثل معتذر می‌شود یا مثل از مالیت می‌افتد یا مال از مکان غصب منتقل شده، در مکان دیگری تلف شود یا مکان درخواست مالک از مسؤول مکانی غیر از مکان غصب و تلف باشد؛ زیرا آنچه بر عهده ضامن است مثل است^۲ [۳۳، ص ۶۳۲]. ق.م. ایران در این زمینه ساکت است. بین فقها اختلاف شده که قیمت چه مکانی مورد ضمان است.

براساس مبانی مختلفی که در مبحث زمان تبدیل مثل به قیمت مطرح شد، در این زمینه آرای گوناگونی بیان گردیده است. بر مبنای تبدیل ضمان مثل به قیمت در هنگام مطالبه و استمرار ضمان عین تا هنگام ادا، قیمت عین در مکان مطالبه داده می‌شود و محل مطالبه اعم از محل تلف یا غصب یا دادگاه صالح است [۳، ص ۴۱۹]. بر مبنای تبدیل مثل به قیمت به مجرد تحقق عنوان تعذر باید قیمت مثل در مکان تعذر پرداخت شود. برخی محل غصب [۴۲، ص ۲۳۲]، محل تلف، [۳۰، ج ۱، ص ۳۶۸]، بالاترین قیمت در محل غصب و تلف [۴۳، ص ۲۴۱؛ ۴۴، ص ۱۷۴] و هر جایی که مالک اراده کند [۳۳، ص ۲۵۱] را ملاک مکان قرار داده اند. برخی گفته اند مطالبه فقط در مکان‌هایی امکان دارد که مال مغضوب بدان‌جا برده شده است و مطالبه آن مستلزم صرف

۱. بند ۲ ماده ۱۷۱: وبقدر التعویض بالنقد علی أنه يجوز للقاضي تبعا للظروف وبناء علی طلب المضرور أن يأمر بإعادة الحالة إلى ما كانت علیه أو أن يحکم بأداء أمر معین.

۲. شیخ این قول را از علامه در تحریر و تذکره، فخر المحققین در ایضاح، شهید اول در دروس، محقق کرکی در جامع المقاصد و ابن ادریس در سرائر نقل می‌کند.

هزینه‌ای نباشد و در فرضی که نقل مال مستلزم صرف هزینه باشد مطالبه آن امکان ندارد [۳، ص ۴۲۰]. شیخ انصاری قیمت محل تلف را ملاک می‌داند [۳۳، ص ۲۵۶].

به نظر می‌رسد ملاک مکان تابع ملاک زمان باشد، به این معنا که انتخاب یک نظریه در مورد زمان در حقیقت انتخاب ملاک مکان است؛ زیرا این دو با یکدیگر توأم است. بنابراین طبق ماده ۳۱۲ ق.م. ایران که زمان ارزیابی مال مثلی را یوم‌الدفع مقرر کرده و براساس استمرار ضمان مثل تا هنگام ادا، ملاک پرداخت قیمت عین را محل دفع قرار می‌دهیم؛ یعنی مکانی که مسؤول می‌خواهد مال را به مالک پرداخت کند، خواه مکان تلف باشد یا غصب یا مکان دادگاه صالح یا صدور حکم و یا اجرای آن یا هیچ کدام آن‌ها. آخرین مکانی که مثل در آن‌جا ارزشمند بوده ملاک ارزیابی مثلی است که از مالیت افتاده است. در قانون مدنی مصر سخنی از مکان ارزیابی خسارت ذکر نشده و براساس ملاکی که ارائه دادیم می‌توان گفت ملاک مکان در حقوق مصر نیز مکان صدور حکم است؛ زیرا طبق ماده ۱۷۲ ملاک زمان، روز صدور حکم است.

۴-۲. قلمرو زمان و مکان در ارزیابی خسارت بر اموال قیمی

چنان‌که از ماده ۹۵۰ ق.م. فهمیده می‌شود در اموال قیمی، جبران خسارت از طریق دادن قیمت است و به عبارت دیگر قیمت مال تلف شده به زیان‌دیده پرداخت می‌شود [۳۰، ص ۴۱۰]. در ماده ۳۲۸ ق.م. مقرر شده است: «... و اگر آن را معیوب یا ناقص کند، ضامن نقص قیمت آن مال است» یا در ماده ۳۳۰ ق.م. مقرر شده است: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد...». در ق.م. مصر چنان‌که ذکر شد اموال به مثلی و قیمی تقسیم شده است و تعریف صریح اموال مثلی ذکر شده و از اموال قیمی تعریفی به میان نیامده است. لذا براساس معیاری که در ماده ۸۵ ارائه شده - معدود و مکمل و موزون نباشد و به جای آن بتوان موارد مشابهش را در مقام وفا پرداخت - می‌توان گفت هر مالی که جزء تعریف اموال مثلی نباشد، جزء اموال قیمی است.



برخی معتقدند براساس مقتضای قاعده فقط در صورتی در اموال قیمی قیمت پرداخت می‌شود که رد مثل ممکن نباشد. خوبی می‌نویسد: «همان‌گونه که ضمان در اموال مثلی به مثل تعلق می‌گیرد، در اموال قیمی هم به مثل تعلق می‌گیرد. بنابراین اگر جنسی قیمی تلف شود باید مثل آن داده شود؛ اما به علت وجود روایات باب قرض از این قاعده دست بر می‌داریم» [۴۵، ج ۲، ص ۴۴۸]. فقهای دیگر [۴۶، ص ۱۰۱؛ ۴۷، ج ۶، ص ۲۴۳] نیز با توجه به آیه اعتدا، اجماع، صحیحه ابی ولاد [۴۸، ج ۱۳، ص ۲۵۵] و روایات دیگر [۴۸، ج ۱۳، ص ۱۲۹، ج ۲۳، ص ۲۳۴؛ ج ۲۹، ص ۲۷۹]^۱ دست از مقتضا کشیده و قائل به پرداخت قیمت شده‌اند. البته می‌توان مهم‌ترین دلیل پرداخت قیمت را سیره عقلا دانست؛ زیرا این سیره متصل به عصر معصوم (ع) و در مرئی و مسمع او بوده و ردع نشده است. لذا حجت است. همچنین امروزه بر اثر گسترش مبادلات بازرگانی و رواج بدون رقیب پول، رویه و عرف عملی، در غالب موارد تلف مال، زیان‌دیده قیمت مال را به‌عنوان جبران خسارت از مسؤول دریافت می‌کند. با توجه به این‌که جبران خسارت حق زیان‌دیده است، اگر او اعتراض نکند، می‌توان از طریق دادن قیمت، تمام خسارات مالی او را جبران کرد و رویه قضایی [۱۲، ص ۷۶ و ۲۹ و ۹۲؛ ۲۱، ص ۳۴ و ۹۰ و ۸۶] نیز گرایش به پذیرش این عرف دارد؛ زیرا این روش، از لحاظ عملی، کم‌هزینه‌ترین و راحت‌ترین و قاطع‌ترین روش جبران خسارت است [۴۹، ص ۹۲]. در حقوق مصر طبق بند ۲ ماده ۱۷۱ پرداخت نقدی برای جبران خسارت پذیرفته شده است.

۴-۲-۱. زمان ارزیابی خسارت در پرداخت قیمت

درباره زمان ارزیابی آرای گوناگونی در کتب فقهی در باب غصب و مقبوض به عقد فاسد بیان شده است که هر کدام مستندات و مبانی متفاوتی دارد. قیمت روز تلف، روز تصرف، روز غصب، بالاترین قیمت از روز غصب تا روز تلف یا بالاترین قیمت از روز غصب تا روز دفع یا بالاترین قیمت از زمان تلف تا زمان ادا و قیمت حین‌الادا. نقد و بررسی همه این موارد از حوصله این نوشتار خارج است و لذا به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۱. «عن علی (ع) أنه قضی فی رجل أقبل بنار فأشعلها فی دار قوم فاحترقت الدار و احترق أهلها و احترق متاعهم یغرم قیمه الدار و ما فیها».

الف) قیمت روز تلف: بی‌شک روز تلف زمانی است که مال بر ذمه ضامن تعلق گرفته است و در آن زمان وی موظف به پرداخت آن بوده است. به موجب ادله ضمان که فوری است ضامن باید قیمت همان روز را که عین مال به دلیل تلف شدن مبدل به قیمت و متعلق به ذمه ضامن شده بپردازد [۳۰، ج ۱، ص ۳۶۷]. این نظریه را شیخ انصاری در مکاسب به اکثر فقها نسبت داده است. شیخ انصاری می‌نویسد: «با ملاحظه این دو فقره: (۱) امام (ع) برای تعیین قیمت، قسم مالک را مقدم دانسته‌اند («اما ان یحلف هو علی القیمه فیلزمک»); (۲) در صورت رد قسم از سوی مالک به غاصب پیشنهاد دیگری کرده («او ان یأتی صاحب البغل بشهود یشهدون ان قیمه البغل یوم اکثری کذا و کذا فیلزمک») که قسم و بینه یک شخص مقدم شده، در حالی که چنین چیزی غیرممکن است؛ بنابراین درمی‌یابیم که جمع بین قسم مالک و بینه او، دلیل عدم اعتبار روز غصب است [۳۳، ص ۱۶۳-۲۶۴]. قدر مسلم آن است که روز تلف روز انتقال به قیمت است؛ زیرا با تلف شدن عین، عین از ذمه ساقط شده و ضمان آن اثر ندارد؛ ضمن این‌که قدرت بر رد آن نیز وجود ندارد. براساس این مبنا قیمت روز تلف جایگزین عین می‌شود و قیمت همان روز بر عهده خواهد آمد [۵۰، ج ۲، ص ۱۹۳]. امام خمینی در این باره می‌گوید: «ضمنی که در اذهان عقلای عالم معهود است، به عهده گرفتن خسارت و غرامت است و این ضمان در مثلی به مثل است و در قیمیات به قیمت روزی که عین مال، تلف شده است. ضمان عین به این معنا که هم در مثلیات و هم در قیمیات، عین مال بر عهده ضامن باشد، خلاف معنای متعارف و معهود نزد عقلا است. عمل کردن برخلاف بنا و سیره عقلا، نیاز به دلیل صریح و معتبر دارد» [۵۱، ج ۱، ص ۳۴۳].

ب) روز قبض: ملاک و معیار تعیین قیمت در اموال قیمی روز قبض و اخذ مال است. مهم‌ترین دلیل این گروه صحیحه ابی ولاد است. در آن روایت، ابی ولاد از امام صادق (ع) می‌پرسد: اگر قاطر که از اموال قیمی است تلف شود چه چیزی را ضامن خواهم بود؟ آیا قیمت را ضامنم؟ حضرت پاسخ می‌فرماید: «نعم قیمه بغل یوم خالفته». در این فقره کلمه «یوم» ظرف است و قید برای قیمت خواهد بود. معنای فقره می‌شود: «بله باید قیمت قاطر را براساس روز مخالفت (قبض)



به صاحب قاطر بپردازی». بنابراین ملاک تعیین قیمت روزی است که مال قبض شده است [۴۵، ج ۲، ص ۴۵۵].

ج) روز ضمان: اولین روز ضمان باید ملاک تعیین قیمت قرار گیرد. از این تاریخ مسؤلیت فرد آغاز می‌شود؛ زیرا قبل از تلف نیز ضمان به مالیت شیء تعلق گرفته است و آنچه در ذمه بود در واقع همان مالیت عین موجود بوده است [۳۳، ص ۲۴۵؛ ۳، ص ۴۲۰]. مستند این نظریه روایت ابی ولاد در فقره «قیمه بقل یوم خالفته» است. قیمت مرکب در روزی که از قرارداد تخلف کرد و بدون قرارداد به راه خود ادامه داد و روز تخلف از قرارداد را حضرت معیار تعیین قیمت قرار دادند [۲۶، ج ۷، ص ۱۰۱]. شیخ انصاری در این باره می‌گوید: می‌توان ادعا کرد که تعبیر به زمان مخالفت حمل بر غالب است؛ زیرا از زمان کرایه تا بازگشت غالب قیمت تغییری نمی‌کرده است و قیمت زمان تلف با قیمت زمان مخالفت یکی بوده است [۳۳، ص ۲۴۹].

د) بالاترین قیمت از روز تلف تا روز پرداخت قیمت: با تلف مال، قیمت بر ذمه ضامن مستقر می‌شود؛ ولی این قیمت در ذمه وی با ازدیاد قیمت روز افزایش می‌یابد و با کاهش قیمت روز دیگر تقلیل نمی‌یابد؛ زیرا پس از استقرار قیمت روزی که افزایش یافته، دیگر با کاهش قیمت روز دیگر تقلیل نمی‌یابد. همچنین تا زمان رد قیمت هر لحظه و در هر تاریخ وجود بالاترین قیمت نیز بر عهده غاصب است [۴۳، ص ۱۷۹؛ ۴۴، ص ۲۴۱]. این گروه تغییرات قیمت در بازار قیمت سوقیه را نیز مضمون دانسته‌اند. پس از استقرار قیمت، دلیلی بر سقوط ضمان و کاهش قیمت وجود ندارد. به عبارت دیگر اشتغال ذمه یقینی برائت یقینی می‌طلبد. در این صورت، تمام ضرر مالک جبران می‌شود. همچنین روایات باب غصب و احترام مال مؤمن و حرمت داشتن مال مسلمان بسان خون او و «الغاصب یؤخذ بأشق الاحوال» مؤید لزوم پرداخت بالاترین قیمت است [۴۸، ج ۱۴، ص ۱۸۹، ج ۲۸، ص ۱۴۴؛ ج ۲۲، ص ۲۷۰].

ه) بالاترین قیمت از روز تصرف تا تلف: روز قبض اولین روز ضمان و اشتغال ذمه ضامن و روز تلف آخرین روز انتقال به قیمت محسوب می‌شود. در این میان هر قدر که قیمت افزایش یافته باشد، همان بر ذمه ضامن استقرار می‌یابد و در صورت تنزل قیمت دلیلی بر سقوط کل یا جزء قیمت وجود ندارد. لذا غاصب باید بالاترین قیمت را بپردازد [۵۰، ج ۲، ص ۱۹۳]. همچنین ضامن سبب شده دست مالک از مالش جدا گردد. بنابراین در آن زمان که ارزش و قیمت مال او زیاد

شده، اطلاق ادله اتلاف شامل آن می‌شود؛ زیرا از نظر عرف عقلا تفاوتی میان حدوث تصرف و بقای تصرف وجود ندارد، چه همان‌گونه که اگر به هنگام تصرف مال ارزش آن صد تومان بود، ضامن آن است، حال اگر در ادامه، قیمت آن صد و پنجاه تومان شود، باز ضامن است. این مطلب در جایی که افزایش قیمت به جهت افزایش خود عین باشد، روشن‌تر است؛ مثل این‌که گوسفند چاق گردد. برخی اعلم‌القیم را از صحیحه اُبی ولاد استنباط کرده و می‌گویند: «حضرت ملاک ضمان را زمان مخالفت قرار داده است و زمانی که قیمت مال در دست ضامن افزایش پیدا می‌کند و آن را به صاحبش تحویل می‌دهد، مخالفت صادق است. پس همان قیمت را ضامن خواهد بود» [۲۸، ص ۱۱۵]. برخی می‌گویند اگر از این روایت نتوان اعلم‌القیم را استفاده کرد به اصول عملیه مراجعه کرده، مقتضای اصول عملیه اشتغال است؛ زیرا علاوه بر اصله الاشتغال نسبت به زمان افزایش قیمت، استصحاب بقای آن نیز جریان دارد. از طرفی مورد ما از قبیل اقل و اکثر نیست تا نسبت به اکثر براءت جاری گردد؛ زیرا در لحظه افزایش قیمت نسبت به اشتغال ذمه یقین متحقق است. همچنین به ادله‌ای که بیانگر شدت مجازات غاصب است، مانند «الغاصب یؤخذ باشق الاحوال» تمسک کرده‌اند [۴۰، ص ۶۶]. شیخ انصاری می‌نویسد: «در این روایت هیچ قرینه‌ای دال بر اعتبار اعلی‌القیم وجود ندارد و محکوم‌کردن غاصب به پرداخت بالاترین قیمت غیر قابل قبول است؛ زیرا علما بر این نکته اتفاق نظر دارند که اگر غاصب اصل کالا را به مالک مسترد دارد اگرچه قیمت کالا تنزل یافته یا به طور کلی ارزش مالی خود را از دست داده باشد، ضمانتی نسبت به پرداخت قیمت ندارد». بنابراین نمی‌توان گفت غاصب به طور مطلق ضامن افزایش قیمت است، علاوه بر آن‌که برخلاف اصل براءت است و از سوی دیگر دلیلی در دست نیست که در مقابل اصل براءت عرض اندام کرده و اعلی‌القیم را واجب کند [۳۳، ص ۲۴۵].

و) روز صدور حکم: برخی روز صدور حکم را ملاک ارزیابی قرار داده و گفته‌اند به علت این‌که پیش از صدور حکم ضامن ملزم به پرداخت خسارت است، حکم دادگاه به این الزام صورت خارجی می‌بخشد و آن را تبدیل به دین مبلغی پول می‌کند. پس منطقی است که در زمان صدور



حکم هزینه انجام تکلیف متعهد معین شود [۳، ص ۴۱۹]. تنها در این صورت، ضرر کامل جبران می‌شود؛ زیرا دادرسی گاه سال‌ها طول می‌کشد، ارزش پول تغییر می‌کند و قدرت خرید متفاوت می‌شود. این نظر با هدف مسؤولیت مدنی و جبران کامل ضرر و اعاده وضع سابق زیان‌دیده و با مفاد ماده ۵۲۲ ق.آ.م. تأیید می‌شود. حقوق مصر و رویه قضایی آن نیز با توجه به تصریح در قانون، صدور حکم را ملاک قرار داده‌اند [۴، ص ۹۸].

ز) قیمت روز ادا: هرچند زمان اشتغال ذمه ضامن روز تلف است، لکن روز پرداخت قیمت در حقیقت زمانی است که مافی‌الذمه را مشخص می‌سازد. عین مال بر ذمه ضامن استقرار یافته و تا روز پرداخت دین همچنان بر ذمه او است و در روز ادای مافی‌الذمه از ذمه ساقط می‌گردد. اشتغال ذمه ضامن به قیمت وقتی معین می‌شود که پرداخت گردد. سید محمد کاظم طباطبایی می‌گوید: «عین با تلف شدن همچنان بر ذمه باقی است تا هنگام پرداخت قیمت؛ زیرا ذمه ضامن تا آن روز به عین مشغول بوده؛ پس باید قیمت عین در روز ادا در نظر گرفته شود» [۲۸، ج ۱، ص ۱۵۶]. شیخ انصاری معتقد است صحیحه ابی ولاد دلالتی بر ملاک ضمانت قیمت یوم اداء ندارد و می‌نویسد: «این فقره از روایت «علیک قیمه مابین الصحه و العیب یوم ترده» دلالتی بر روز ادا ندارد، زیرا «کلمه یوم» متعلق به قیمت نیست تا ادعای این‌که قیمت زمان رد معتبر است اثبات شود، بلکه متعلق به «علیک» بوده، معنای آن چنین است: در روز رد بر تو واجب است تفاوت صحیح و معیوب را بپرداز؛ اما این‌که در روز مذکور قیمت چه زمانی ملاک است در سخن امام (ع) بیان نشده است [۳۳، ص ۲۴۵]. به نظر می‌رسد این روایت در مقام بیان اصل ضمان است و از جهت بیان تعیین زمان قیمت مجمل است.

قانون مدنی ایران درباره زمان ارزیابی پرداخت قیمت اموال قیمی ساکت است. به نظر می‌رسد اگر ملاک ارزیابی قیمت مال قیمی را روز ادا و به عبارت دیگر روز اجرای حکم قرار دهیم مناسب است [۵۲، ص ۸۵]؛ زیرا اولاً ضمان ید به این مطلب دلالت دارد. ثانیاً از ابتدای مسؤولیت، عین در ذمه ضامن قرار می‌گیرد و تا هنگام ادای پرداخت عین بر عهده مسؤول است، اما چون عین تلف شده پرداخت آن در زمان ادا امکان ندارد و لذا ضامن باید بدل آن را بپردازد و بدل آن قیمت روز ادا است. ثالثاً در ماده واحده تفسیری تبصره ذیل ماده ۱۰۸۲ ق.م. مصوب ۱۳۸۴ مقرر گردیده درخصوص مهریه‌های وجه نقد، ملاک محاسبه و پرداخت پول، روز اجرای حکم است.

هرچند این ماده درباره پرداخت مهریه به‌عنوان دین و ضمن قرارداد نکاح است، ولی ملاک آن پرداخت دین بر عهده همسر و جبران ضرر است. لذا بر مبنای وحدت ملاک می‌توان گفت پرداخت خسارت در خسارت‌های خارج از قرارداد به صورت پرداخت پول، در واقع به‌عنوان جبران ضرر و دینی بر عهده زیان‌زننده است و از این رو، این خسارت نیز براساس روز اجرای حکم سنجیده شود. رابعاً رویه قضایی مؤید این نظر است. رأی شماره ۳۹۸۰-۱۴ دی ۱۳۲۵ دادگاه عالی انتظامی قضات مقرر می‌دارد: «در موردی که محکوم‌به عین بوده و از طرف اجرا اعلام شده اجرای عین غیرممکن است لامحاله اجرای حکم تبدیل به پرداخت قیمت می‌شود و قیمت موقع تأدیه را باید تعیین نمود» [۵۳، ص ۲۳۴]. ماده ۱۷۰ ق.م. مصر^۱ به‌صراحت زمان ارزیابی خسارت را روز صدور حکم (وقت الحکم) قرار داده است. رویه قضایی این کشور نیز بر همین اساس است.

۲-۲-۴. مکان ارزیابی خسارت در پرداخت قیمت

اختلاف درباره مکان ارزیابی خسارت در صورتی بروز می‌کند که خسارت در محلی به مال فردی وارد شده است و زیان‌زننده آن را به محل دیگر ببرد و تلف کند و قیمت مال در این دو مکان متفاوت باشد. آنگاه باید دید که قیمت کدام محل بر عهده مسئول است. آرای را که درباره زمان ارزیابی خسارت مطرح شده می‌توان درباره ملاک ارزیابی مکان نیز مطرح کرد، زیرا مکان‌های مختلف گاه ظرف قیمت‌های متفاوت است. برخی مکان تلف را ملاک قرار داده‌اند؛ زیرا قیمت روز تلف را ملاک زمان ارزیابی برگزیده‌اند [۳۰، ج ۱، ص ۳۶۸؛ ۳۳، ص ۲۵۶]. برخی مکان قبض را ملاک ارزیابی قرار داده‌اند، زیرا روز قبض را ملاک ارزیابی زمان می‌دانند [۴۲، ص ۲۳۲].

۱. ماده ۱۷۰: یقدر القاضی مدى التعویض عن الضرر الذی لحق المضرور طبقاً لأحكام المادتین ۲۲۱ و ۲۲۲ مراعیاً فی ذلک الظروف والملاسه فإن لم یتیسر له وقت الحکم أن یعین مدى التعویض تعیناً نهائياً فله أن یتحتفظ للمضرور بالحق فی أن یتطالب خلال مده معینه بإعادة النظر فی التقدير.



برخی ملاک را بالاترین قیمت در دو مکان غصب و تلف قرار داده‌اند [۴۳، ص ۲۴۱؛ ۴۴، ص ۱۷۴]. برخی مکان مطالبه را ملاک دانسته‌اند [۳، ص ۴۱۹]. برخی دیگر انتخاب مکان را بر عهده مالک می‌دانند [۲۳، ص ۲۵۱]. برخی نیز تفصیل داده، گفته‌اند اگر مال از چیزهایی باشد که نقل و انتقال آن نیاز به مؤونه ندارد، مالک مختار است میان قیمت مکان تلف و مطالبه، و اگر مال از چیزهایی است که نقل و انتقال آن نیازمند هزینه است، در این صورت ملاک، قیمت مکان تلف است [۲۸، ج ۱، ص ۱۲۰]. با توجه به ملاکی که در اموال مثلی برگزیدیم و عنصر مکان را تابع عنصر زمان دانستیم در این‌جا نیز مکان ارزیابی اموال قیمی را تابع زمان ارزیابی آن‌ها، یعنی یوم‌الادا یا روز اجرای حکم می‌دانیم. به عبارت دیگر، مکانی که مسؤل می‌خواهد مال را به مالک پرداخت کند، خواه مکان تلف باشد یا غصب یا مکان دادگاه صالح یا صدور حکم و یا اجرای آن یا هیچ کدام آن‌ها فرقی ندارد. در مواد ۴۳۳ و ۴۶۳ حقوق مصر^۱ از مکان سخن رفته است؛ ولی این دو ماده ارتباطی به بحث مسؤولیت ندارند، بلکه درباره بیع و میزان ثمن هستند، ولی شاید بتوان براساس فحوی آن‌ها گفت مکان ارزیابی خسارت محل پرداخت خسارت است. البته می‌توان ملاکی را که در حقوق ایران ارائه دادیم، در این‌جا نیز جاری بدانیم. ملاک مکان توأم با ملاک زمان است. قانونگذار مصر ملاک ارزیابی زمان خسارت را روز صدور حکم قرار داده لذا مکان ارزیابی خسارت نیز می‌تواند مکان صدور حکم باشد. به نظر می‌رسد ملاک قانون ایران، یعنی زمان و مکان پرداخت خسارت (روز اجرای حکم قطعی) از ملاک قانون مصر (روز صدور حکم) هدف مسؤولیت را بهتر تامین می‌کند؛ زیرا از زمان صدور حکم تا اجرای آن نیز ممکن است خسارت تغییر کند یا ارزش پول تغییر یابد. رویه قضایی نیز آن را تأیید می‌کند. به‌عنوان مثال رأی شماره ۱۸/۵۶۹/۷۳ شعبه ۱۸ دیوانعالی کشور مورخ ۷۳/۱۰/۱۸ و رأی شماره ۳۹/۱۰ شعبه ۱۰ دیوان عالی کشور مورخ ۷۲/۱/۲۵ و رأی شماره ۱۸/۲۶۳/۷۲ شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور مورخ ۷۲/۵/۱۲ قیمت یوم‌الادا را ملاک قرار داده است [۵۴، ص ۱۹۴-۲۱۰]. رأی شماره ۴۷۷-۱۳۷۱/۸/۳ شعبه ۳ دیوان عالی کشور ذیل ماده ۳۱۲ ق.م. می‌گوید منظور از قیمت حین‌الادا قیمتی است که در روز تأدیه برای آن مال بخصوص در بازار و عرف معمول است [۱۷، ص ۱۲۶]. همچنین

۱. ماده ۴۳۳:۱) يجوز أن يقتصر تقدير الثمن على بيان الأسس التي يحدد بمقتضاها فيما بعد؛ (۲) وإذا اتفق على أن الثمن هو سعر السوق في المكان والزمان الذين يجب فيهما تسليم المبيع للمشتري.

دادنامه شماره ۱۹۲۲ کلاسه پرونده ت ۵۰۸/۸۳/۱ مورخ ۸۳/۱۰/۲۶ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، سازمان ثبت اسناد کشور را محکوم به پرداخت خسارت در یوم‌الادا کرده است [۱۲، ص ۵۹].

۵. استثنا بر زمان ارزیابی خسارت بر اساس روز اجرای حکم

یک استثنا بر ملاک روز اجرای حکم وارد است و آن وقتی است که طلب زیان‌دیده پیش از صدور حکم تعیین شده باشد؛ مانند هنگامی که خود زیان‌دیده خسارت خود را جبران کرده باشد که در این صورت، پرداخت خسارت به مقدار هزینه‌هایی است که متحمل شده است پرداخت می‌شود و میزان غرامتی که مسؤول باید بپردازد به اندازه روز ادا حساب نمی‌شود. در چنین حالتی، ارزش پولی هزینه‌ها و زیان‌هایی که زیان‌دیده متحمل شده است بر مبنای هزینه‌هایی که وی برای جبران زیان صرف کرده است مشخص شده و فرض بر این است که زیانی که وی متحمل شده، به همان میزان هزینه‌هایی است که وی صرف جبران آن کرده است. بنابراین مسؤول باید همان هزینه‌ها را به زیان‌دیده پرداخت کند؛ به این علت که ارزش پولی زیان‌ها مشخص است و دیگر نیازی به ارزیابی مجدد آن‌ها نیست. در حقوق مصر نیز این استثنا پذیرفته شده است.

۶. نتیجه‌گیری

شیوه‌های جبران خسارت و تقویم آن در دو کشور ایران و مصر شبیه است؛ با این تفاوت که در ایران و فقه اسلامی اصل اولی جبران عینی است و در مرحله بعد دادن معادل است، اما در کشور مصر اصل اولی پرداخت نقدی است و فقط با درخواست زیان‌دیده و حکم دادگاه به صورت جبران عینی انجام می‌شود. در حقوق ایران درباره زمان و مکان ارزیابی خسارت در مسؤولیت‌های خارج از قرارداد، در مبحث غصب و اتلاف و تسبیب مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م. و مواد



۲ و ۳ و ۵ قانون مسؤولیت مدنی و مواد ۵۲۲ و ۵۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره‌ای وجود دارد. بین اموال مثلی و قیمی در زمان تخمین خسارت تفاوت وجود دارد. ملاک زمان برای ارزیابی اموال مثلی در صورت تعذر، قیمت حین‌الادا یا همان روز اجرای حکم است و در صورت از دست دادن مالیت، آخرین قیمت مال و برای اموال قیمی روز اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجرا است. ملاک مکان تخمین خسارت نیز براساس ملاک زمان محل پرداخت است و فرقی ندارد که محل پرداخت، مکان دادگاه صالح یا محل وقوع خسارت یا مکانی دیگر باشد. حقوق مصر در مواد ۱۷۰ و ۱۷۱ ق.م. جدید درباره تعیین میزان خسارت اختیارات وسیعی به قاضی داده است. تفاوتی برای اموال مثلی و قیمی و آن‌جا که قیمت بالا یا پایین رفته، وجود ندارد و ملاک آن را روز صدور حکم قرار داده و درباره ملاک مکان مطلبی به‌صراحت ذکر نشده است. ملاک قانون ایران زمان و مکان پرداخت خسارت (روز اجرای حکم) از ملاک قانون مصر (روز صدور حکم) بهتر است؛ زیرا از زمان صدور حکم تا اجرای آن نیز ممکن است خسارت تغییر کند یا ارزش پول تغییر یابد و لذا هدف مسؤولیت را بهتر تأمین می‌کند. در نهایت پیشنهاد می‌شود قانونگذار با تصویب موادی مبنی بر ملاک قرار دادن زمان و مکان اجرای حکم قطعی در پرداخت خسارت، موضعی صریح و شفاف در این باره اتخاذ کند.

۷. منابع

- [۱] طباطبایی، سید محمد حسین، *نهایه الحکمه*، ج ۱، قم، الزهراء، ۱۳۶۳.
- [۲] ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء، بی تا.
- [۳] کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی ضمان قهری*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- [۴] عرفه، عبدالوهاب، *مرجع القاضی و المحامی و المتقاضی فی التعویض عن المسؤولیه المدنیه*، المکتب الفنی للموسوعات القانونیه، بی تا.
- [۵] النمر، محمد رضا، *مسؤولیه الدوله عن اخطاء القضاء دراسه تحلیلیه مقارنه فی النظام القضایی المصری و الاسلامی*، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۱۴.

- [۶] الزحیلی، وهبه، نظریه الضمان او احکام المسئولیه المدنیه و الجنائیه، دراسه المقارنه، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۹۹۸.
- [۷] یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی قلمرو مسؤولیت مدنی، بی‌جا، ادبستان، ۱۳۷۹.
- [۸] دوراهکی، حمید، تعدیل قرارداد به‌عنوان یکی از شیوه‌های خسارت، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- [۹] سنهوری، عبدالرزاق، الوجیز فی النظریه العامه للالتزام، بیروت، الحلبي الحقوق، ۱۹۹۸.
- [۱۰] دناصوری، عزالدین، شورابی، عبد الحمید، المسئولیه المدنیه فی ضوء الفقه و القضاء، ج ۱، قاهره، شرکه ناس، ۲۰۱۳.
- [۱۱] باریکو، علیرضا، مسؤولیت مدنی. تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- [۱۲] زندی، محمدرضا، رویه قضایی دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر استان تهران در امور مدنی خسارت و اجرت المثل، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۰.
- [۱۳] المرزوقی، محمد بن عبدالله، مسؤولیه المرء عن الضرر الناتج من تقصیره، بیروت، الشبکه العربیه للابحاث و النشر، ۲۰۰۹.
- [۱۴] بوساق، محمد المدنی، التعویض عن الضرر فی فقه الاسلامی، ریاض، دار کنوز اشبیلیا للنشر و التوزیع، ۲۰۰۷.
- [۱۵] کاشف الغطا، محمد حسین، تحریر المجله، ج ۱، نجف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹ق.
- [۱۶] تاجمیری، امیر تیمور، مسؤولیت مدنی، ضمان قهری، الزامات مدنی غیر قراردادی، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۵.
- [۱۷] میرزایی، علیرضا، محشی قانون مدنی با نظریات شورای نگهبان، آرای وحدت رویه و اصراری شعب دیوان عالی کشور و...، تهران، بهنامی، ۱۳۸۴.



- [۱۸] باز اللبانی، رستم، سلیم، شرح المجله، چ ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۶.
- [۱۹] سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۶.
- [۲۰] امین، سید حسن، غصب و ضمان قهری، لندن، شرکت رویستون انگلستان، ۱۳۶۲.
- [۲۱] باز گیر، یدالله، سقوط تعهدات و ضمان قهری، بی جا، انتشارات فردوسی، بی تا.
- [۲۲] بدر بلال، عدنان، المسئولیه المدنیه للمحامی: دراسه مقارنه. بیروت، الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۷.
- [۲۳] تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، سید احمد، مسؤلیت مدنی ضمان قهری، تهران، پیام نور، ۱۳۹۱.
- [۲۴] نبیل، ابراهیم سعد، قاسم، محمد حسن، المدخل ال القانون القاعده الفقهیة- نظریه الحق، بی جا، منشورات الحقوقیه الحلبي، ۲۰۰۷.
- [۲۵] عادل، مرتضی، «توافق بر خسارت در قراردادها»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۸۵، پاییز ۱۳۸۰.
- [۲۶] نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاحکام، ج ۳۷، بی جا، بی تا، ۱۳۹۹.
- [۲۷] آخوند خراسانی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، بی جا، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶.
- [۲۸] طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه مکاسب، بیروت، دارالمصطفی لاحیاء التراث، ۱۴۲۳.
- [۲۹] موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دارالفکر، ۱۳۷۵.
- [۳۰] امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
- [۳۱] حجتی اشرفی، غلامرضا، قانون مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- [۳۲] طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸.
- [۳۳] انصاری، شیخ مرتضی، المكاسب، تهران، کتابفروشی اسلامی، بی تا.

- [۳۴] عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان در آمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- [۳۵] حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (علامه حلی)، تذکره الفقهاء، چ ۱، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۸.
- [۳۶] زین الدین بن علی عاملی، (شهید ثانی)، مسالك الافهام، قم، انتشارات بصیرتی، بی تا.
- [۳۷] کرکی، علی بن حسین، (محقق کرکی). جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ ۱، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
- [۳۸] جعفرزاده، علی، دوره حقوق مدنی الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری، تهران، جاودانه و جنگل، ۱۳۹۰.
- [۳۹] فخر المحققین، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، قم، انتشارات علمیه، ۱۳۸۷.
- [۴۰] ره پیک، حسن، ضمان قهری، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰.
- [۴۱] شهری، غلامرضا، حسین آبادی، امیر، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی از سال ۱۳۵۸ به بعد، تهران، روزنامه رسمی کشور، بی تا.
- [۴۲] جعفری لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳.
- [۴۳] عدل، مصطفی، حقوق مدنی، تهران، میزان، ۱۳۸۱.
- [۴۴] بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰.
- [۴۵] خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۳، قم، دارالفکر، ۱۳۷۹.

- [۴۶] ایروانی، محمد تقی، حاشیه کتاب مکاسب، مصحح باقر الفخار اصفهانی، عراق، دارذوی القربی، ۱۴۲۱.
- [۴۷] حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، چ ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹.
- [۴۸] حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه الی تحصیل المسایل الشریعه، بیروت، چ ۵، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- [۴۹] حسینی نژاد، حسینقلی، مسؤولیت مدنی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، بی تا.
- [۵۰] زین الدین بن علی عاملی، (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، ج ۲، بیروت، ۱۴۱۹.
- [۵۱] موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، چ ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱.
- [۵۲] محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه مدنی مالکیت مسؤولیت، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- [۵۳] شهیدی، موسی، مجموعه موازین قضائی محکمه عالی انتظامی قضات، چ ۲، بی جا، چاپخانه علمی، ۱۳۳۰.
- [۵۴] بازگیر، ید الله، آرا قطعیت یافته دادگاهها در امور مدنی مزارعه، مساقات، مضاربه، حواله، قرض، طلب، نکاح.

